

## بیداری، پرواز همیشگی با چهار نیروی ضمیر خود

بیداری، در فرهنگ ایران، ویژگی جداناپذیر حرکت (گشتن و جنبیدن) است. آنچه در حرکت است (در دگر دیسی و در جنبش است) بیدار است. آنچه از حرکت باز میماند، میخوابد. جان هر انسانی، همیشه در حرکت (رفت و بازگشت) به اصل زندگی است، و هر انسانی، رابطه مستقیم و بیواسطه با بُن حقیقت دارد. اینست که اسب (یا گورویا آهو)، که پیکریابی حرکت تند هست، نماد بیداری همیشگیست. چشم اسب، یک مورا در تاریکی شب و از دور می بیند. بینش حقیقی، چنین چشمی دارد. بیداری با بینش سریع از دور کار دارد (تیزبینی و زود بینی، نه آنکه پس از وقوع واقعه آن را ببیند!). نگهبان جان انسان و جامعه که حکومت باشد، خرد بیداریا ضمیر بیدار (چهار نیروی ضمیر) جامعه می باشد که اینهمانی با چهاربال داده میشود.

**تو مرغ چهارپری، تا بر آسمانی پری**

**تو از کجا وره بام و نردبان ز کجا**

(تونیاز به نردبان = رسول و انبیاء و واسطه، نداری)  
 سرداریا نگهبان جامعه، اصل همیشه بیدار، یا اصل همیشه متحول خود جامعه (جمع افراد) هست. هنگامی رستم، از حرکت باز میماند و میخوابد، این رخس هست که همیشه بیدار و نگهبان جان اوست (در خوان یکم و در خوان سوم).  
 از آنجا که آتش جان (که ارتا، نخستین عنصر باشد) در تن انسان، چهار نیروی چهاربال دارد، این آتش جان (ارتا) همیشه بیدار است، چون همیشه در حال پرواز هست. «ارتا»

که آتش جان هرانسانی هست ، همیشه در حال رفت و آمد به جانان ( سیمرخ = ارتا = سرچشمه حقیقت و زندگی ) هست . این بود که گفته میشد که سروش ، گردونه ای با چهار اسب بی سایه دارد . از این رو نیز سروش ، همیشه بیدار است و هیچگاه نمی خوابد و سردار و نگهبان جامعه است . هرانسانی ، سروش - ویژه خودش را دارد که او را بیدار میسازد . تن ، تا جفت با آتش جان ( چهار نیروی ضمیر ) هست ، بیدار هست ، و در شب که تن میخوابد ، روان ، بیدار میماند ، و پاس میدهد . خواب و بیداری در فرهنگ ایران ، همان رابطه رستم و رخش را با هم دارد . آنکه میخوابد ، روان بیدار هم دارد که از او نگهبانی میکند . این اندیشه در جهان آرائی ( = سیاست ) نیز بازتابیده میشد . حکومت ، بخش همیشه بیدار ، ضمیر متحرک و تحول یابنده خود - جامعه هست . در حکومت ، که نگهبان زندگی مردمانست ، این بخش همیشه بیدار جانها با هم جمع هستند . حکومت ، نگهبان زندگی ( جان ) مردمان از گزند هست ، نه نگهبان ایمان آنها به دینی یا مسلکی یا عقیده ای یا طبقه ای و قومی و جنسی و نژادی . بیداری انسان ، با دگر دیسی و جنبش و پرواز این ضمیر چهار پر ، که همیشه پیوند مستقیم و بیواسطه با بُن جهان ( ارتا = سیمرخ = جانان ) دارد کار دارد ، نه با ایمان آنها به این یا آن آموزه و شخص و شریعت . در فرهنگ ایران ، جان = زندگی ، اولویت برایمان ، و بر هرگونه اختلافی از طبقه و قوم و جنس و نژاد و پیشوا و رهبر ... دارد .